

## متن پرسش

با عرض سلام و ادب: با آن بینش و آینده نگری و آن احاطه فوق العاده امام (ره) خصوصاً در مسائل سیاسی، چگونه ممکن است امام (ره) با نماز جمعه که رکن رکین انقلاب است مخالف باشد اما علامه طهرانی (ره) ایشان را روشن سازد و موافق کند و امام دست از مخالفت بردارد؟ سوال حقیر صرفاً جزئی نیست بلکه بسیار بسیار سوال مهمی است، لازم است جایگاه علامه طهرانی در انقلاب روشن شود، اینکه این شبهه عظیم هنوز وجود دارد که این علامه طهرانی بودند که هسته اولیه حکومت اسلامی را ایجاد کردند و بعد امام رو هم پیشوا فرمودند و بعدشم هم موارد خطای امام (ره) را اصلاح کنند، این شبهه بسیار خطرناک است، این صدق و صفا و اعتماد مردم به امام و رهبری را از دست می دهد، چرا که ملت چهل سال زیر بیرق امام خمینی سینه بزنند و کاشف به عمل بیاید مطلب جور دیگری است، خب چرا آقا زاده های ایشان صریحاً این مطلب را حلاجی نکرده و منقح نمودند؟ این مبحث اصلاً ربطی به مشورت گرفتن امام از علامه طهرانی و از الله بهجت و بها الدینی و دیگر بزرگان نیست، بلکه جنبه هدایت دارد یعنی علامه طهرانی امام را هدایت می کرد، مشکل اینجاست. با این وجود یقیناً مجلس خبرگان که مرکب از اعظام فقها است به خطا رفته که چرا بعد از رحلت امام، فردی مثل علامه طهرانی را که خود امام را هم هدایت می کردند را برای رهبری کشف و انتخاب ننموده بلکه رفتند سراق آقای خامنه ای؟ یا به عنوان مثال در زمان حیات امام (ره) چگونه ممکن است اهم مطالب حکومت مثل نماز جمعه را امام مخالف باشد اما علامه طهرانی توجیهشان کند؟ آیا کسی که نمی داند نماز جمعه برای یک ملت لازم است یا خیر لیاقت رهبری اجتماع را دارد؟ یعنی امام (ره) به این بلوغ سیاسی نرسیده بودند که نماز جمعه را لازم بدانند؟ خواهشا خواهشا لطف بفرمایید منت بگذارید جواب این شبهه را عنایت کنید تا منقح شود و جسارتاً صرفاً به این که مثلاً علامه طهرانی از امام دفاع می کرد و تایید می کرد و غیره اکتفا نفرمایید بلکه لازم است برای رفع این شبهه قضیه منتقح شود با سند و مدرک با سپاس بسیار و با تشکر از لطفتان

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر «تحریر الوسيله» را مطالعه فرمایید که زمانی نوشته شده که هیچ نوع ارتباطی بین حضرت امام و آیت الله طهرانی نبوده؛ متوجه خواهید شد که قضیه چیز دیگری است. هم‌چنانکه عرض شد آیت الله طهرانی خود را در حدّ گرد پای امام هم حساب نمی‌کردند و حقیقتاً اصلاً نباید بنا به فرمایش آیت الله اراکی، بعد از معصوم کسی را با حضرت امام مقایسه کرد. آری!

توصیه کردن یا به اصطلاح، نصیحة الملوک کار خوبی است همچنان که صعصعه به جناب امیرالمؤمنین «علیه السلام» نصیحت می کرد و خود حضرت نیز به صعصعه می فرمودند: «عِظْنِي». ولی این به این معنا نیست که نتیجه بگیریم جناب صعصعه باید در مقام ولایت باشد! موفق باشید